

درباره یک

«عشق فوتبال» تمام عیار

میترا باباعلی



دقیقه هیجان

باز هم بگم؟.

نمی دونم شما چقدر طرفدار لیگ خودمون و تیم های ایرانی هستین ولی مسعود میگه لیگ ایران یکی از حساس ترین لیگ های جهان به حساب میاد و برای این حرفش هم منطق داره: «چون رقابت و فاصله بین شش تیم اول و آخر توی لیگ ما به شدت زیاده در حالی که در لیگی مثل انگلیس این طوری نیست و پهبو میبینی به تیم مثل لیورپول، یا منچستر یونایتد یا سیتی، با اختلاف زیادی در صدر جدول نشسته!»

«فوتبال اینجا، فوتبال اونجا، فوتبال همه جا!»

مسعود کل اوقات فراغت و استراحت و هرآنچه که به ذهن تون می رسه رو دنبال فوتبال میره. اصلا به قول معروف نافش را با فوتبال بریده اند! از تماشای فوتبال های داخلی و خارجی می رود سراغ خواندن اخبار، بعد بازی فیفا و PES، آخر هم گزارشگری فوتبال! اصلا می گوید که بعضی اوقات آنقدر از گزارشگری های بعضی بازی ها بدش میاد که صدای تلویزیون رو کم و خودش شروع به گزارشگری می کنه! و خب در راستای بیشتر شدن اطلاعاتش کتاب ها و زندگی نامه های زیادی درباره فوتبال و فوتبالیست ها خوانده.

«دنیای جذاب فوتبال؟»

برای خیلی ها مثل مسعود نصف لذت فوتبال توی کل کل های طرفداران تیم هاست. البته کری هایی که رعایت ادب و احترام را در خودش داشته باشد. این عشق قرمزها، حتی در مصاحبه مان هم کری خواندن برای استقلال را اول نمی کرد. اما بخش دیگر جذاب برای او فوتبالیست های حرفه ای هستند. «مسی» رو دوست داره اما نتونست کسی رو به عنوان بزرگ ترین فوتبالیست نام ببره! ولی گفت «مسی» و «رونالدو» اصلا برای این سیاره نیستن و احتمالا از مریخ اومدن! می که حتی حسرت های فوتبال هم قشنگه، و برامون از حسرتش درباره گلی می که در واقع گل نشد. اون هم در بازی منچستر سیتی و تاتنهام، وقتی رحیم استرلینگ در دقیقه ۹۵ گلی زد که داور با دیدن VAR اون رو آفساید اعلام کرد و به همین دلیل سیتی بالا نرفت.

«چرا فوتبال؟»

به او گفتم این همه ورزش، حالا چرا فوتبال؟ ۲۲ نفر دارن دنبال به توپ می دون. این کجاش جذابیت داره؟
که من رو با به تیکه از کتاب «فوتبال علیه دشمن» غافلگیر کرد: «فوتبال را به دلیل این که مورد توجه مردم است نمی توان فقط فوتبال نامید! در این صورت پای رسانه ها و مافیا و حتی سیاست هم به میان کشیده می شود و همه اینها در کنار هم می شود جذابیت!»
مثلا بازی بین رئال مادرید و بارسلونا را کاملاً يك تقابل سیاسی در حاکمیت اسپانیا می داند. فوتبال دم دستی ترین تفریح مردم است. اکثر بازیکن های جهان از قشر ضعیف جامعه بوده اند که الان ستاره شده اند. مسعود اعتقاد داره که فوتبال هیچ وقت نیاز به هیچ وسیله خاصی نداره و ارزان ترین ورزش به حساب میاد.
البته مسعود کاملاً اهل درس هم هست. برای همین هم امسال دانشجوی رشته مکانیک دانشگاه شریف شد.



فوتبالی جماعت، اغلب تا لنگ ظهر زیر لحاف گرم و نرمشون دارن خواب میبینن! حالا هر گروه سنی از این دست، يك مدل خواب؛
۹ تا ۱۱ ساله ها اصلا خواب و رؤیایی برایشون وجود نداره. اصلا چه معنی داره آدم توی این سن خواب ببینه؟!
۱۲ تا ۱۴ ساله ها بیشتر خواب بازیکن های محبوبشون رو می بینن که دارن باهاشون بازی میکنن و از اتفاق به اونها گل هم میزنن!
۱۴ به بعدی ها از دم همشون تا ۳ و ۴ صبح پای دیدن بازی های فوتبال هستن و تا ظهر تو خوابشون براهمدیگه کری میخونن.
روی امروز ما با فوتبال دوست هاست! کسانی مثل مسعود که طرفدار پرو پا قرص فوتبال اند، خوره فوتبال!

«همه چیز از بچگی شروع شد!»

مسعود از آن بچه های تپل میل بود. به خاطر همین در بازی های فوتبال محله اش طبق قانون نانوشته فوتبال خیابانی دروازه بان بود! از اتفاق عینکی هم بود و دلیل دیگری برای گذاشتن او در آن پست بود. البته همین عینکی بودنش و دروازه بانی باعث شده بود که بارها عینکش بشکند و کم کم از فوتبال کناره گیری کند و شاید هم از آن متنفر شود! از آن موقع به بعد طبق خواست خانواده اش که می خواستند مسعود پسری درس خوان و باسواد بار بیاید فوتبال کلا غدغن شد!
او آن زمان ها از دروازه بانی متنفر بود تا این که با «کاسیاس» دروازه بان اسطوره ای اسپانیا و رئال مادرید آشنا شد و به قول خودش فهمید که دروازه بان، آخرین امید هر تیمی است! از اون به بعد صدایش می کردند مسعود کاسیاس!

«نماد قهرمانی!»

سرخیو راموس را که می شناسید؟ بازیکن سرشناس رئال مادرید. اصولاً از نظر مسعود امید توی فوتبال حرف اول رو می زنه و خب «راموس» برای او، نماد واقعی امید و البته به قهرمانه! در این باره می گه: «راموس تنها کسیه که توی بازی ها، امید صد در صد تیم خودش، اصلا معروف است به این که توی دقیق پایانی گل بزنه و تیمش رو از باخت نجات بده. امیدی که توی به چنین بازیکن هایی وجود داره بهم یاد می ده که باید تا آخرین لحظه زندگی جنگید.»

«غیر قابل پیش بینی!»

در جای جای صحبت های مسعود میشه جمله غیر قابل پیش بینی بودن فوتبال رو شنید. میگه اصلاً مهم ترین دلیل جذابیت های فوتبال در همین غیر قابل پیش بینی بودنشه. برای اثبات حرفش هم از بازی ایران در جام جهانی گذشته مثال زد! (یعنی بازی مهم اسپانیا و پرتغال با ایران رو باید یادتون بیاریم؟ لایبی به پیکه؛ گل به پرتغال، چطور می کریس!!!)



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۵ ■ ۸ اسفند ۱۳۹۸

نوجوان
جام



به وقت فکر نکنین

ما طرفدار تیم

خاصی هستیم،

نه. فقط توی

جست و جو

برای پیدا کردن

نوجوون فوتبالی،

رسیدیم به

مسعود که از

قضا پرسپولیسیه

وگرنه ما مخلص

طرفدارای

استقلال، تراکتوره،

سپاهان و بقیه

تیم ها هم

هستیم

بیخشید شما؟

⑧ قهرمان زندگی شما

کنید؟

برایمان اسم آن شخصیت را ارسال کنید یا خودتان دست به قلم شوید و درباره کسی که فکر می کنید می تواند قهرمان زندگی خیلی از نوجوان ها باشد بنویسید.

در چهار شماره گذشته با قسمت «بیخشید شما» شنونده زندگی یک شخصیت مشهور ایرانی یا بین المللی بودیم. زندگی آدم هایی که هر کدام می تواند یک کتاب قطور چند صد صفحه ای باشد با کلی تجربه، شما دوست دارید از سرگذشت چه کسی بخوانید و یادداشت برداری

